رضا حاجی‌آبادی
نویسنده و مدیر مسئول انتشارات هزاره ققنوس:

انتهای فرایند نشر کتاب خواندن نیست تغییر نگرش و رفتار است

رضا حاجی‌آبادی، مدیر مسئول و بنیانگذار انتشارات هزاره ققنوس در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: انتهای فرایند نشر کتاب، باید تغییر رفتار و فرهنگ باشد.

به اعتقاد وی، دست‌اندرکاران نشر مکتوب در ایران شناخت و آگاهی کافی از کار خود ندارند و سیاری از افرادی که صوتی گرفته تا تصویرسازی جملات کوتاه از نویسنده‌های مشهور یا برگزاری نشست‌های تخصصی از رسانه ملی در حوزه کتاب و کتابخوانی و حتی کتابخوانی صوتی و ساخت پادکست، عمدتا همه ما نرم‌افزارهای صوتی کتاب یا پادکست‌های صوتی را در تلفن همراه خود نصب کرده‌ایم و به لطف شبکه‌های اجتماعی هم تلاش می‌کنیم سرانه مطالعه کتاب را بالا ببریم، هر چند توفیقات چندانی کسب نمی‌کنیم و در گیر آگاهی‌های نصفه و نیمه‌ای شده‌ایم که بعضا چندان کاربردی نیست.

محمدصادق دهنادی، دارای دکتری مدیریت رسانه و فعال در بخش بازی‌های رایانه‌ای است. باوی درباره تسهیل کتابخوانی در فضای فناوری‌های جدید، روز نیدا گفت‌وگویی داشتیم.

این فعال حوزه رسانه‌ای معتقد است، یکی از فعالیت‌ها در حوزه تسهیل کتابخوانی تولید کتاب‌های الکترونیکی به عنوان رسانه جدید است که من بر اساس مشاهدات شخصی خودم می‌گویم (نه بر اساس واقعیت علمی) تجربه الکترونیک تجربه موفقی نیست.

وی به دلایل این عدم‌موفقیت اشاره و با ذکر مثالی از بدیهیات عصر رسانه می‌گوید: ما برای دیدن تلویزیون به راحتی می‌نشینیم و در هر فضایی مشغول تماشا می‌شویم، در حالی که شرایط مطالعه کتاب با شرایط دیدن تلویزیون در حالت عادی یکی نیست و همین عدم‌تطابق شرایط، به کیفیت مطالعه ضربه می‌زند.

دهنادی در توضیح بیشتر می‌افزاید: برخی رسانه‌ها از جمله تلویزیون یا تلفن همراه به گونه‌ای هستند که شرایط مناسبی برای مطالعه محسوب نمی‌شوند و افراد به همان نحوی مطالعه می‌کنند که گویی تلویزیون نگاه می‌کنند یا یک بازی کامپیوتری انجام می‌دهند.

یکی دیگر از دلایل این عدم‌موفقیت در نگاه دهنادی به عدم‌تطابق

ما به نسلی جدید از نویسندگانی نیاز داریم که محتوای خوب و مناسب رسانه‌ای تولید کنند. ما نمی‌توانیم یک رمان را تکه تکه و در فضای مجازی پخش کنیم و بگوییم مردم قسمتی را بخوانند، بعد هم توجیه بیاوریم در عصر کنونی بیش از این افراد تمایلی به توجه و خواندن ندارند. ما نیازمند نوعی از تولید محتوای فرهنگی متکی به نثر و نظم ویژه در رسانه هستیم و اسم آن را ادبیات رسانه‌ای می‌گذاریم که البته این ادبیات رسانه نباید با ادبیات ژورنالیستی اشتباه گرفته شود

محمدصادق دهنادی، دکترای مدیریت رسانه:

مطالعه در بستر تلفن همراه ارزش افزوده‌ای ندارد

در سال‌های اخیر شاهد پیوند عمیق کتاب و رسانه بوده‌ایم. شیوه این پیوند، اشکال مختلفی دارد؛ از کتاب‌های صوتی گرفته تا تصویرسازی جملات کوتاه از نویسنده‌های مشهور یا برگزاری نشست‌های تخصصی از رسانه ملی در حوزه کتاب و کتابخوانی و حتی کتابخوانی صوتی و ساخت پادکست.

سرعت پیشرفت رسانه نسبت به محتوایی است که در آن منتشر می‌شود وی توضیح می‌دهد: ذات سرعت رسانه‌های مدرن نیازمند محتوای خاص رسانه‌های مدرن است. وقتی فرد کتاب خود را تبدیل به تصویر می‌کند و در صفحات اینستاگرام می‌بیند، چندان زیبنده نیست. به مانه دنبال تصویر هستیم اما افراد مشتری هفتادمن را داخل شبکه اجتماعی اینستاگرام قرار می‌دهند.

دهنادی می‌گوید: مواردی مثل تک‌بیت‌های ناب، مینیمال‌های ادبی، هایکو، شعر نو و مواردی شبیه آنها در شبکه‌های اجتماعی خیلی خوب، مورد استقبال قرار می‌گیرد و بازنشر می‌شود، بنابراین هر چیزی که در فضای موبایل یا رایانه منتشر می‌شود، ادبیات و محتواهای خاص خود را می‌طلبد. کتابی مثل «لبه مافیا» و «روزگار سپری شده مردم سالخورده» یا رمان‌های بزرگی که آفریده شدند، وقتی وارد تلفن همراه می‌شوند، اثر گذاری نسخه ورقی را نخواهند داشت.

به اعتقاد وی، ایرانی‌ها در حال حاضر در بستر تلفن همراه مطالعه می‌کنند اما مطالعه آنها ارزش افزوده‌ای ندارد و مفید فایده نیست.

دهنادی بیان می‌کند: ما به نسلی جدید از نویسندگانی نیاز داریم که محتوای خوب و مناسب رسانه‌ای تولید کنند. ما نمی‌توانیم یک رمان را تکه‌تکه و در فضای مجازی پخش کنیم و بگوییم مردم قسمتی را بخوانند، بعد هم توجیه بیاوریم در عصر کنونی بیش از این افراد تمایلی به توجه و خواندن ندارند!

به اعتقاد وی ما نیازمند نوعی از تولید محتوای فرهنگی متکی به نثر و نظم ویژه در رسانه هستیم و اسم آن را ادبیات رسانه‌ای می‌گذاریم که البته این ادبیات رسانه نباید با ادبیات ژورنالیستی اشتباه گرفته شود.

وی به دلایل این عدم‌موفقیت اشاره و با ذکر مثالی از بدیهیات عصر رسانه می‌گوید: ما برای دیدن تلویزیون به راحتی می‌نشینیم و در هر فضایی مشغول تماشا می‌شویم، در حالی که شرایط مطالعه کتاب با شرایط دیدن تلویزیون در حالت عادی یکی نیست و همین عدم‌تطابق شرایط، به کیفیت مطالعه ضربه می‌زند.

دهنادی در توضیح بیشتر می‌افزاید: برخی رسانه‌ها از جمله تلویزیون یا تلفن همراه به گونه‌ای هستند که شرایط مناسبی برای مطالعه محسوب نمی‌شوند و افراد به همان نحوی مطالعه می‌کنند که گویی تلویزیون نگاه می‌کنند یا یک بازی کامپیوتری انجام می‌دهند.

یکی دیگر از دلایل این عدم‌موفقیت در نگاه دهنادی به عدم‌تطابق

نیمه سازی
پرونده
کتاب و کتابخوانی

کتاب‌هایی که خوانده‌ایم، کتاب‌هایی که خورده‌ایم!

حسین گل‌محمدی

یادم می‌آید در دوران نوجوانی وقتی کتاب «اشراف‌زاده قهرمان» نوشته استاد محمود حکیمی را به دست گرفتم، ۲۴ساعت کامل از خورد و خوراک افتادم. داستان‌های کتاب به قدری برایم جذاب بود که گویی دلم می‌خواست با تمام وجود واژه‌های کتاب را نه اینکه بخوانم، بلکه بخورم و در تمام سلول‌هایم هضم کنم. در آن ساعاتی که غرق کتاب شده بودم، شش‌دانگ حواسم به ماجراهای توصیف‌شده در آن بود و در یک کلام بگویم که کتاب را فقط نمی‌خواندم، بلکه با اشتهایی وصف‌ناپذیر می‌خوردم. حتماً شما مخاطب این نوشتار هم اگر مأنوس با کتاب و اهل کتابخوانی باشید، در چنین موقعیتی قرار گرفته‌اید و حتی اگر اهل کتاب هم نباشید، شاید در رابطه با یک فیلم، تابلوی نقاشی یا مواجهه با یک موقعیت دلخواه، انگار دل تان خواسته است با تمام وجود آن را بخورید و هضم کنید. به هر حال تقریباً همه ما در مراحل مختلف زندگی به ویژه در دوران تحصیل در مدرسه و دانشگاه، اجباراً یا اختیاراً کتاب‌هایی را خوانده‌ایم و در این خوانش چیزهایی آموخته‌ایم، اما اینکه بااراده و علاقه کتابی را انتخاب و با اشتیاقی برای آن هزینه کنید و یا اشتها آن را بخوانید یا همان طور که گفتم آن را بخورید، لذت دیگری دارد. تجربه خوردن کتاب اتفاقی است که از دوران نوجوانی تا هنوز که سنی از من گذشته، بارها برایم تکرار شده است. به عنوان کسی که شیفته رمان و کلاً ادبیات داستانی هستم، بد نیست یادی از کتاب‌هایی کنم که آنها را خورده‌ام، هملت، من آرام، ژان کریستف، ناتور دشت، جود گمنام، تس دوربرویل، مسیح باز مصلوب، سرگشته راه حق، جنایت و مکافات، جزء از کل، همسایه‌ها، من او، بلندی‌های بادگیر و نفوس مرده، گزیده‌ای از خوراک سفره مطالعه ادبیات داستانی من است که در این سال‌ها خوانده‌ام و شاید شما هم با خواندن آنها حس کنید که علاقه‌مند به خوردن کتاب‌ها شده‌اید!

هفته کتاب و مشخصاً ۲۴ آبان روز کتاب، کتابخوانی و کتابدار، انگیزه خوبی است برای مرور کتاب‌هایی که خوانده‌ایم و از آن مهم‌تر بهانه‌ای است برای جست‌وجوی پاسخ به این سؤال که چرا خیلی‌های‌مان دیگر مثل سابق کتاب نمی‌خوانیم و پرسش جدی‌تر اینکه، چرا دیگر کتاب نمی‌خوریم؟

پای صحبت خادمان کتاب

فربهی کتابخانه‌ها ثانیه‌های مطالعه را افزایش می‌دهد

در تقویم ملی، بیست‌وچهارم آبان ماه روز کتاب، کتابخوانی و کتابدار نامگذاری شده است. این روز ما را یاد افرادی می‌اندازد که برای پیشبرد فرهنگ کتاب و کتابخوانی زحمات بسیار می‌کشند و از جان مایه می‌گذارند تا بتوانند فرهنگ مطالعه را در جامعه، برای کسانی که با کتاب بیگانه هستند یا راه را گم کرده‌اند ترویج کنند و بر تاثیرهای کتابخوانی بیفزایند به همین مناسبت «جوان» با تنی چند از کتابداران، خادمان بر تلاش کتاب در شهر تهران همکلام شده است تا از زبان آنها دغدغه و مشکلات حوزه کتاب و کتابخانه‌ها را روایت کند. همگی آنها معتقدند فربهی کتابخانه‌های عمومی از نظر امکانات به طور حتم بر جذب مخاطبان و رشد فرهنگ کتابخوانی تأثیر خواهد گذاشت.

نمی‌توان برای همه کتابخانه‌ها یک نسخه واحد پیچید

احمد محققی ۴۴ ساله است. او مدرک کارشناسی کتابداری دارد و ۲۲ سال از شغل کتابداری‌اش می‌گذرد. او حالا رئیس کتابخانه استاد حکیمی در منطقه ۱۸ تهران است و مشکلات این روزهای حوزه کتاب و کتابخانه را می‌داند. محققی با اشاره به اینکه عدم دسترسی سریع به کتاب و سانسور بی‌مورد بعضی مطالب از جمله دلایل فهر بعضی خانواده‌ها با کتاب است، اما درباره نقش کتابخانه‌ها در ارتقای فرهنگ کتابخوانی می‌گوید: «خانواده‌ها می‌توانند با مراجعه به کتابخانه‌ها و راهنمایی گرفتن از کتابداران با فرهنگ کتابخوانی بیشتر آشنا شوند و آن را به طور مستمر ادامه دهند. همچنین تشکیل کلوپ‌های مردمی در کتابخانه‌ها در رده‌های سنی مختلف حائز اهمیت است. چراکه مطالبه، همکاری و همراهی با مسئولان را برای بهبود وضعیت به همراه خواهد داشت.»

رئیس کتابخانه استاد حکیمی به روز کردن منابع کتابخانه‌ای عدم‌ارائه نسخه واحد برای تمام کتابخانه‌ها و اینکه منابع هر کتابخانه باید بر اساس نیاز مراجعه کننده‌های همان کتابخانه تهیه و خریداری شود را از جمله دغدغه‌هایش به عنوان کتابدار نام برد و همراه شدن با تغییرات سریع تکنولوژی و همسو شدن با آن مثلاً استفاده از کتاب‌های صوتی، پی دی اف و امانت بیسن کتابخانه‌ای را پیشنهاد داد.

احمد محققی

رضا قاری

وی برای ورود کتاب به زندگی خانواده‌ها می‌افزاید: «چاپ کتاب‌های مناسب با محتوای غنی برای کودکان و گنجاندن زنگ مطالعه و کتابخانه در مدارس در ایجاد فرهنگ کتابخوانی تأثیرگذار است. تخصیص یارانه خرید کتاب برای مدارس و کتابخانه‌های عمومی، اجرای برنامه‌های فرهنگی و هنری در کتابخانه‌ها مثل برگزاری شب شعر، رونمایی از کتاب، نقد کتاب و فیلم، مسابقات کتابخوانی، مناسبات و انواع بازی‌های کتابخانه‌ای هم می‌تواند در سوق دادن خانواده‌ها و گروه‌های سنی به خواندن کتاب، مفید و مؤثر باشد.»

محققی در آخر می‌گوید: «مخاطبان برای بهبود وضعیت کتابخانه‌ها باید هم مطالبه‌گری کنند و هم کمک فکری و فیزیکی داشته باشند. مسئولان نیز برای اینکه فرهنگ مطالعه در جامعه رشد کند، باید به فرهنگ به دید سرمایه‌گذاری نگاه کنند نه دید هزینه. استفاده از ظرفیت متخصصان امر کتاب و کتابخوانی نیز باعث تعالی فرهنگ جامعه خواهد شد.»

ضرورت حضور نیم حرفه‌ای برای گزینش کتاب قبل از ورود به مخزن کتابخانه‌ها

الهام درویش کوشالی ۴۳ ساله است. او در کتابخانه بوستان بانوان نرگس مشغول کار است و ۲۲ سال سابقه کار دارد. درویش کوشالی، «همه کتاب» این نذر فرهنگی را در گسترش مطالعه بسیار تأثیرگذار می‌داند و می‌گوید: «البته این کار با رازی کتاب بیشتر اتفاق می‌افتد، چون با خرید کتاب مردم می‌توانند کتاب‌های قدیمی‌شان را وقف کتابخانه کنند؛ این طرح جریان بیشتری پیدا کند.»

او درباره مشکلات کتابخانه‌ها می‌افزاید: «هنوز یک تیم ماهر و حرفه‌ای جهت گزینش و بررسی کتاب قبل از ورود به مخزن کتابخانه‌ها وجود ندارد. همچنین چین کتاب‌ها و به تبع آن خالی شدن قفسه‌های کتابخانه، به روز نبودن علم کتابداران و راکد ماندن در شغلشان از دغدغه‌های این روزهای خادمان و دوستداران کتاب است. کمبود منابع کتاب، کمرنگ شدن اهمیت کتابخانه بین مسئولان بالا رتبه، کمبود کتابدار متخصص، رحمتی سراله مطالعه کشور را پایین می‌داند و می‌گوید: «برای توسعه و ترویج کتابخوانی می‌توان از سیستم‌های فناوری اطلاعات برای دسته‌بندی و طبقه‌بندی کتاب‌ها استفاده کرد. همچنین ثبت اطلاعات سازمان دهی منابع و کتاب‌های فراوان یافتن آسان، پاسخگویی به سؤالات مراجعه کنندها و راه‌اندازی فعالیت‌های نیز در کتابخانه از جمله گروه‌های کتابخوانی نیز راهکاری مؤثر است.»

رئیس کتابخانه قائم(عج) در پاسخ به این سؤال که چرا میل به کتابخوانی کم شده است می‌افزاید: «دغدغه‌های معیشتی، شغلی و اجتماعی آنچنان مردم را سرگرم خود کرده که بسیاری حتی به فکر استفاده از کتابخانه و مطالعه کتاب نیستند. بیشترین مراجعان به کتابخانه‌ها محصلان بوده و مطالعه آنها هم در زمینه کتاب‌های درسی و کمک درسی است. شیوع استفاده از اینترنت و انواع شبکه‌های اجتماعی و دستیابی آسان به اطلاعات هرچند سطحی، از جمله علل کاهش فرهنگ مطالعه در کتابخانه‌هاست. عدم تخصیص بودجه به کتابخانه‌های عمومی برای خرید کتاب نیز از جمله مشکلاتی است که با آن مواجه هستیم.»

او مهم‌ترین علت ضعف فرهنگ مطالعه در کشور را محیط خانواده عنوان می‌کند و اظهار می‌دارد: «خیلی از خانواده‌ها کمبود وقت را بهانه می‌کنند اما از فضای مجازی نیز نمی‌توان غافل شد، چراکه باعث بی‌توجهی آنها به کتاب و فرهنگ مطالعه شده است و این مواد تأثیر زیادی روی فرزندان دارد.»

رحمتی در بیان دغدغه‌های مخاطبان و دوستداران کتاب می‌گوید: «کتاب‌های عمومی به دلیل کمبودهایی که دارند در روند ترویج علمی و کتاب‌های مرجع روز آمد در کتابخانه‌های عمومی، عدم به کارگیری فنون و روش‌های عملی در جلب و جذب خوانندگان بالقوه کتاب، کمبود نیروی انسانی متخصص و کارآزموده و عدم تناسب تعداد کتابخانه‌ها با شاخص‌های رشد جمعیت، نارسایی فضا، مجموعه و عدم انسجام آنها، مجهز نبودن کتابخانه‌ها به تجهیزات لازم، خدمات سمعی و بصری و متناسب و هماهنگ نبودن کتب کتابخانه با شرایط و نیازهای مراجعان اشاره کرد.»

وی به برنامه‌های مختلفی که در سطح کتابخانه‌ها برای ترویج کتابخوانی برگزار می‌شود اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد: «از جمله برنامه‌های متناسب با تمامی مناسبت‌های ثبت شده در تقویم می‌توان به تبلیغ و ترویج کتاب، رونمایی و نقد و بررسی، برنامه‌های جنبی و شاد برای کودکان و نوجوانان نظیر قصه‌گویی، برگزاری نشست‌های مختلف کتابخوانی، برگزاری محفل ادبی به مناسبت‌های مختلف، برنامه‌های ویژه مثل مسابقات کتابخوانی، برنامه‌های مناسبتی و مشارکتی نظیر برپایی نمایشگاه از منابع در کتابخانه‌ها به مناسبت‌های مختلف در سطح کتابخانه‌ها اشاره کرد.»

وی همچنین برای جذب حداکثری مخاطبان به کتابخانه‌ها می‌گوید: «غنی کردن منابع کتابخانه‌های عمومی، تشویق مراجعین به مطالعه از سوی متخصصان کتابدار و کارکنان کتابخانه‌ها، برگزاری جلسات نقد و بررسی کتاب در کتابخانه‌ها، معرفی کتاب‌های مناسب در نشست‌های ادبی در کتابخانه‌ها و مراسم رونمایی از کتاب‌های مطرح، اهدای کتاب به مراجعین به عنوان جایزه، دعوت از نویسندگان و اهل فقه جهت ایراد سخنرانی در کتابخانه‌ها، اجرای مسابقات کتابخوانی به مناسبت‌های مختلف، گنجانده‌شدن فرهنگ مطالعه و کتابخوانی در برنامه درسی مقاطع مختلف تحصیلی، معرفی و تقدیر از اعضای فعال کتابخانه‌های عمومی و تشکیل کلوپ‌های ادبی در کتابخانه‌ها بر حسب علاقه مراجعین به موضوعات مختلف، از جمله اقداماتی است که می‌توان با همکاری مسئولان و حتی مخاطبان انجام داد.»

رحمتی برای ترویج کتابخوانی با اعتقاد به اینکه باید بچه‌ها از کودکی با کتاب مأنوس کردمی گوید: «پدر و مادرها با خرید کتاب‌های مورد علاقه برای فرزندان یا بردن آنها به کتابخانه‌هایی که کتاب کودک دارند، شور و شوق بچه‌ها را بیشتر می‌کنند. مسابقات کتابخوانی، طرح‌های تخفیف خرید کتاب، نمایشگاه‌های فصلی و مناسبتی و حتی برگزاری محفل کتابخوانی در شبکه‌های اجتماعی با توجه به سلایق افراد در گروه‌ها از جمله راه‌های علاقه‌مندی به کتاب و مطالعه است.»

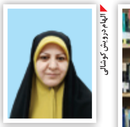
الهام درویش کوشالی

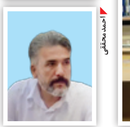
رضا حاجی‌آبادی

برای جذب نوجوانان می‌توان فضای کتابخانه‌ها را بوام با شادی و نشاط کرد

رضا قاری در کتابخانه شهر شهرداری فرهنگی- هنری شهرداری تهران مشغول کار است. او مدرک کارشناسی ارشد مدیریت، ۲۲ سال سابقه کار در حوزه کتاب و کتابخانه دارد و مشغول خدمت به شهروندان تهرانی در این زمینه است. وی معتقد است برای جذب نوجوانان می‌توان فضای کتابخانه‌ها را توأم با شادی و نشاط کرد.

قاری با اشاره به گرانی کتاب، عمده‌ترین مشکل در حوزه کتابخوانی را عدم شناخت کافی مردم در این زمینه دانست. وی معتقد است معرفی صحیح کتاب یکی از نکاتی است که می‌تواند علاقه‌مندی مخاطبان به کتاب شود. وی در آخر می‌گوید: «ما در کتابخانه فجر توانستیم تعداد زیادی نوجوان جذب کنیم. برای این کار فضاهایی در نظر گرفتیم تا بعد از زمان کتابخوانی در یک زمان به عنوان فاز بازی کنند. زمانی هم برای معرفی کتاب داریم که درخواست آنها به صورت کانونی و هفتگی انجام می‌شود.»

دسترسی آسان به اطلاعات سطحی فضای مجازی، گرایش به کتابخوانی را کم کرده است

دیگر خادم کتاب که با او به گفت‌وگو نشستیم مریم رحمی است. او کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دارد. رحمی سال ۱۳۸۰ در کتابخانه عمومی سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تهران مشغول به خدمت شد و حالا ۲۲ سال است سابقه کار دارد. وی اکنون رئیس کتابخانه قائم(عج) است.

بعضی از والدین برای خواندن کتاب‌های غیر درسی به بهانه فاصله گرفتن از درس و کتاب‌های درسی سختگیری می‌کنند. صحبت شما با این قبیل والدین چیست؟

این تفکر که دانش آموز باید بدرس رسان را حوب بخواند و تنها در رشته‌های درسی رشد کند اشتباه است. او باید در همه زمینه‌ها پرورش پیدا کند حال اگر فرض هم بر این باشد که او درسش را خوب بخواند و در نهایت کنکور موفق باشد باید لازم است کتاب‌های غیر درسی هم بخواند. این نوع مطالعه از جنبه زاویه مورد بحث فرار می‌گیرد. وقتی کتابی با عشق و علاقه خوانده می‌شود، قدرت و سرعت مطالعه بالا می‌رود، واژه‌ها درست ترکیب و تجزیه می‌شود به همین دلیل دانش آموز کتابخوان، کتاب درسی را نیز با توان بیشتر و با درک عمیق‌تری می‌خواند. درست مانند این است که اگر بخواهیم فرزندمان بازوئی پرتوان داشته باشد باید بار اگر کودکی تقوت کنیم استادی می‌گفت خیلی از بچه‌ها مشکل شان زبان فارسی است حتی اگر مشکل آنها زبانی نباشد، چراکه مهم دارمت بخوانند و درست در ک و تحلیل کند. این نشان می‌دهد هدف در زبان فارسی همه دانش‌ها را در بر می‌گیرد بزرگ دیگری می‌گفت دانش آموزی که فیزیک نمی‌داند باید قصه بخواند، چراکه خواندن قصه ذهنش را رام و بزرگ می‌کند. از وقت تواناتی می‌شود و خوب می‌فهمد. چراکه قصه جنبه‌های تخیلی و ادبی زیبایی دارد و هضم ذهنی می‌دهد و کمک می‌کند در ادبیاتی دیگر تولد مند کند. دلطفیلی در کنکور موفق می‌شوند که بتوانند برنامه‌ریزی، تجزیه و تحلیل و استفاده از فرصت‌ها را درک و عواطف، نگرانی و استرس هایشان را مدیریت کنند. کسب این همه مهارت‌ها با خواندن کتاب‌های غیر درسی ممکن می‌شود. بنابراین خانواده‌ها باید به درس فرزندشان حساسیت داشته باشند اما جلوی رشد و پرورش ذهن فرزندشان را احدک کتاب غیر درسی نگیرند. خواندن کتاب نه تنها زیان بار نه بلکه می‌تواند در این مسیر کنار دانش آموزان باشد.

والدین فرزندانشان را از چه سنی با خواندن کتاب آشنا کنند؟

گاهی سؤال می‌شود: بچه‌ها از چه سنی با خواندن آشنا کنیم؟ جوابش مطلع است، از چراکه بچه‌ها سهم یاره کردن کتاب را دارند تا با آن آشنا شوند.

امنیت همه‌جانبه جامعه در سایه کتابخوانی تضمین می‌شود

میلاد معتقد
پژوهشگر حوزه فرهنگ و مدرس دانشگاه

کتابخوانی یک ضرورت در زندگی انسان هاست به این دلیل که انسان نیاز مبرم به دانستن دارد و کتاب‌ها یکی از راه‌های ارضای نیاز دانایی است. اگر به این موضوع باور مند شویم، یعنی انگیزه لازم برای کتابخوانی را به دست آوردهایم، اما بر اساس نظریات علمی حوزه روان‌شناسی، برای انجام هر کاری انسان باید انگیزش و هیجان داشته باشد، بنابراین جهت به دست آوردن هیجان لازم برای کتابخوان شدن باید نیازمندی برای دانستن و بیشتر دانستن در انسان تقویت شود. راه‌های مختلفی برای ایجاد و افزایش انگیزش و هیجان لازم برای کتابخوان شدن وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آنها درک درست میزان نادانسته‌ها در مقابل میزان دانسته‌هاو این است این موضوع بسیار اهمیت دارد که بدانیم و بفهمیم در مقابل آنچه می‌دانیم، نادانسته‌های زیادی هم داریم که باید آنها را بدانیم و از همین شکلی و محتوایی دانسته‌های مان بهره‌های لازم را ببریم. این موارد در هر سن و سالی به صورت‌های مختلف می‌تواند مورد فهم و درک قرار گیرد. در این زمینه راهکارهایی هم وجود دارد که بهتر است هر کسی بر اساس نیاز خود برای بر خوردار و بهره‌مندی از آنها تلاش کند.

جوامع بشری نیازهای مختلفی دارند تا به توسعه و پیشرفت دست یابند، بهترین کتاب و کتاب خوب کتابی است که در راه پیشرفت و توسعه فردی و اجتماعی به انسان کمک کند. هر کسی در هر سن و سالی که باشد، نیازهایی دارد که باید درباره برخوردار و بهره‌مندی از آنها دانش و بینش کافی را داشته باشد. برای این منظور حتماً باید به کتاب و کتابخوانی روی آورد و بهترین کتاب برای هر کسی آن کتابی است که مجموعه نیازهای او و بینش‌های لازم و ضروری را برای آن فرد فراهم سازد. به عنوان مثال در رشته‌های عمومی و رشته‌های تخصصی، یک کتاب خوب باید شرایطی را داشته باشد که آن فرد را از آن سطح دانایی‌ای که فرد دارد به سمت دانا ترشدن پیش ببرد. شناخت کتاب خوب وابسته به شناخت نیازمندی‌های انسان برای دانستن است. هر مقدار انسان بتواند نیازمندی‌های خود را برای دانستن بهتر بشناسد در شناسایی کتاب خوب نیز موفق‌تر خواهد بود.

اما بهترین روش برای کتابخوان شدن چیست؟ بهترین روش برای کتابخوان شدن برنامه‌ریزی برای تخصیص اوقاتی برای کتابخوانی است که این موضوع می‌تواند به صورت فردی و اجتماعی صورت گیرد. اگر پدرها و مادرها مایل باشند کتاب و کتابخوانی شوند، بهتر است از خودشان شروع کنند و اگر کودکان در مراحل مختلف رشد خود ببینند که پدر و مادرشان کتاب می‌خوانند، آنها نیز میل به کتابخوانی پیدا خواهند کرد. من و این باور هستم که اگر پدرها و مادرها از بدو تولد فرزندان‌شان در شبانه روز زمانی را برای کتابخوانی در نظر بگیرند، به صورتی که کودکان نیز ببینند که پدر و مادرشان در حال کتابخوانی هستند، محال است که این کودکان در آینده کتابخوان نشوند. بر اساس اصل محرک و پاسخ بر روان‌شناسی، این روش بسیار مؤثر و مفید خواهد بود و جریان کتابخوانی را در سطح وسیعی به جامعه سرایت خواهد داد. اگر به این روش باور مند باشیم، پس عامل و روش خوبی برای کتابخوان شدن بزرگ‌ترها نیز است، زیرا پدر و مادری را سراغ ندارید که نخواهند فرزندشان کتابخوان شود.

کتاب و کتابخوانی در دو بخش عمومی و تخصصی قابل بررسی است. رویکرد کتابخوانی به صورت عمومی به این معنا است که هدایت عمومی و در بخش دیگر، بر پایه هدایت تخصصی در نظر بگیریم و هر یک از این موارد دارای شرایط ویژه‌ای است که در چارچوب برنامه‌ریزی‌های عمومی و تخصصی باید تعیین و تبیین شود. نظام اولویت‌بندی در کتاب و کتابخوانی باید شکل گیرد تا بدانیم باید از چه نوع کتاب‌هایی شروع کنیم و با چه کتاب‌هایی به کتابخوانی ادامه دهیم. اولویت‌بندی در کتاب و کتابخوانی نیز به خودی خود نیازمند دانستن مواردی است که هر شخص باید درباره آنها بداند و برای این منظور نیز کتاب‌هایی وجود دارد که محافلمان خود را راهنمایی می‌کند. اصل اولویت‌بندی در کتاب و کتابخوانی باید بر اساس اصول اولیه و ثانویه مربوط به حوزه‌های روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی باشد و بی‌تردید برای دانستن این موارد باید عناصر مفهومی مربوط به اولویت‌بندی در زندگی فردی و اجتماعی را بدانیم. کتاب و کتابخوانی باید در دانش و بینش انسان بیفزاید و افزایش دانش و بینش نیز باید بهبود شرایط وضعیت سبک زندگی را به دنبال داشته باشد. دانستن و باور داشتن به این محورها می‌تواند راهنمای خوبی برای رویکرد بهتر و بیشتر به سوی کتاب و کتابخوانی از سوی هر فرد و اجتماعی شود.

اگر شما انسان را به یک درخت و جامعه انسانی را به یک باغ تشبیه کنید، خواهید دید که هر یک از درختان با دو مسئله روبه‌رو هستند: ابتدا برای رشد، به مواد غذایی، خاک، آب و نور احتیاج دارند و از طرفی برای دفع آفات باید سم و مواد کننده و دافع آفت‌ها را نیز داشته باشند. اگر درختان یک باغ به طور مساوی از این امکانات برخوردار و به بهره‌مند نشوند، ما هیچ گاه از یک باغ سالم و سرزنده برخوردار نخواهیم بود. باورم این است که کتاب خواندن و خوب کتاب خواندن و همچنین کتاب‌های خوب خواندن می‌تواند به افراد جامعه کمک کند تا هم به خوبی رشد کنند و هم در مقابل آفات انسانی و نابودگرهای جوامع بشری دوام بیاورند. اگر افراد جامعه خواهان امنیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باشند، باید هم کتاب بخوانند و هم در ترویج کتاب و کتابخوانی تلاش و کوششی خستگی‌ناپذیر داشته باشند. زمانی ما به امنیت واقعی دست می‌یابیم که همه افراد جامعه به اندازه کافی از دانش و بینش برخوردار باشند و بی‌تردید چنین جامعه‌ای در انتخاب روش‌های درست‌تر برای داشتن زندگی بهتر و سالم‌تر کمتر دچار اشتباه و انحراف می‌شود. باید موضوع کتاب و کتابخوانی را به امنیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گره بزنیم تا هم مردم و هم حاکمیت در فرآیند تضمین امنیت کشور، کتاب و کتابخوانی را بیش از پیش جدی بگیرند.

زمانی به امنیت واقعی دست می‌یابیم که همه افراد جامعه به اندازه کافی از دانش و بینش برخوردار باشند و بی‌تردید چنین جامعه‌ای در انتخاب روش‌های درست‌تر برای داشتن زندگی بهتر و سالم‌تر کمتر دچار اشتباه و انحراف می‌شود، بنابراین باید موضوع کتاب و کتابخوانی را به امنیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گره بزنیم

فرزندان را به بهانه درس و مدرسه از کتاب‌های غیر درسی محروم نکنیم

حجت‌الاسلام غلامرضا حیدری ابهری
نویسنده و محقق حوزه تعلیم و تربیت

صحبت‌های غلامرضا حیدری ابهری، نویسنده و محقق حوزه تعلیم و تربیت است. او به مناسبت روز کتاب و کتابخوانی با «جوان» گفت‌وگویی داشته و به اهمیت حضور کتاب در خانه و مطالعه بین اعضای خانواده پرداخته است. در ادامه مشروح گفت‌وگو را می‌خوانید.

■■■

ابتدا از ارزش کتاب و کتابخوانی بگویید تا خانواده‌ها بیشتر با این مهم آشنا شوند.

در اهمیت کتاب و کتابخوانی همین بس که همه پیامبران دارای معجزه بودند اما معجزه آخرین پیامبر (خاتم) کتاب بود. این پیام خیلی بزرگی است و حتماً تأثیر والاتری دارد. داشته که خداوند آن را به عنوان آخرین معجزه بر پیامبر(ص) نازل کرده است. این معجزه جاودان نشان می‌دهد مشکل بشریت از آن به بعد با کتاب و نوشته‌های خوب حل می‌شود و مهم‌ترین ابزار برای انتقال اندیشه، فکر و دفاع از حقیقت، کتاب است. با روی‌آوردن تاریخ و تحقیق بین اقوام، کسی را نمی‌یابیم که فردی برجسته باشد اما اهل کتاب نباشد. خوشبخت‌ترین آدم‌ها کسانی هستند که اسم یا کتاب دارند و از همه مهم‌تر با خودشان دوست می‌شوند تا بتوانند واسطه دوستی با دیگران شوند. این تنها گوشه‌ای از اهمیت کتاب و کتابخوانی است که باید مورد توجه خانواده‌ها و به‌خصوص سیستم آموزشی کشور قرار گیرد. ولی متأسفانه در خانواده‌ها کتاب غریب است یا حجم بالای دروس در مدارس فرصت کتابخوانی را از دانش‌آموزان سلب کرده است. اگر خواهیم درباره پیامدهای این مشکل در سیستم آموزشی صحبت کنیم اول اینکه استعداد دانش‌آموزان نمایان نمی‌شود و خیلی شبیه به هم رشد می‌کنند به همین دلیل دانش‌آموز کتاب تفاوت‌ها را نشان می‌دهد و باعث می‌شود دانش‌آموز درون خود را کشف و مجال خودنمایی پیدا کند. به همین دلیل آینده‌ای در خشان برایش رقم می‌خورد و در انتخاب‌هایش مثل انتخاب